

عوامل موثر بر نابهنجاری جوانان مطالعه موردی مناطق حاشیه شهری ساری و بابل

علیرضا کلدی*، علی رحمانی فیروزجاه**

طرح مسأله: هنجارها قواعد رفتارند و هر کنشی که با هنجارهای پذیرفته شده یک جامعه هم‌نوازی نداشته و آن را نقض نماید نابهنجار تلقی می‌شود. هدف این تحقیق، بررسی جامعه‌شناختی نابهنجاری‌های اجتماعی جوانان و رویکرد محوری آن، رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی است. به‌منظور تبیین کامل‌تر موضوع از نظریه‌های آنومی، فشار، نظریه خرده فرهنگی، کنترل، هم‌نشینی افتراقی، و نظریه کنترل قدرت نیز استفاده شده است.

روش: نوع تحقیق پیمایشی بوده و برای سنجش نابهنجاری از روش خود اعترافی استفاده شده است. حجم نمونه تحقیق ۲۲۰ نفر از جوانان ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهرهای ساری و بابل و شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای بوده است.

یافته‌ها: این نابهنجاری متاثر از نزدیکان نابهنجار، پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین، ضعف کنترل اجتماعی و ضعف دین‌داری است که در این تحقیق شاخصی از فقدان تعهد فرد و یا به زعم هیرشی، فقدان کنترل درونی و نیز مسائل و مشکلات خانوادگی است.

نتایج: مهم‌ترین متغیر تاثیرگذار بر نابهنجاری جوانان، نزدیکان نابهنجار بوده و آن نیز متاثر از ضعف کنترل اجتماعی بیرونی و ضعف کنترل اجتماعی درونی یا فقدان تعهد به ارزش‌های جامعه است.

کلید واژه‌ها: جوانان، فشار، مناطق حاشیه‌ای، نابهنجاری

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <a.r.kaldi@uswr.ac.ir>
** دکتر جامعه‌شناس، عضو هیأت علمی دانشگاه بابل

مقدمه

بزرگ‌ترین نگرانی جامعه‌شناسان کلاسیک تنزل روابط اجتماعی، رشد انواع آسیب‌ها و مسائل اجتماعی ناشی از حرکت مردم از جوامع کوچک و گرایش به شهرها می‌باشد. مسائلی که از تحول جامعه مکانیکی به ارگانیکی، از گمن شافت به گزل شافت، از تحول زندگی در گروه‌های کوچک به پا نهادن در حیات شهری برمی‌خیزد. هرچند این تحولات می‌توانند نویدبخش باشند، اما به‌زعم دورکیم، اگر به صورتی نامنظم و بی‌قاعده صورت گیرند (دورکیم، ۱۳۶۹: ۳۷۷) صورت‌های بیمارگونه‌ای را پدید می‌آورند.

رشد سریع جمعیت، دگرگونی ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه روستایی، توسعه صنعتی بر پایه صنایع مونتاژ و وابسته و بی‌تناسبی عمیق بین توسعه فنی و فرهنگی و به عبارتی، توسعه ناموزون در ایران در دوران معاصر موجب شکل‌گیری صور نامنظم و بی‌قاعدگی‌هایی گردید که پیامد آن رشد نابهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی در شهرهاست. محیط‌های نامانوس شهری برای مهاجرانی که از فرهنگ خود جدا شده‌اند و حاشیه شهرها را به عنوان محل سکونت برگزیده‌اند یک نوع بی‌نظمی، نابسامانی و آشفتگی را در این مناطق به‌وجود آورده است؛ به‌طوری‌که نابهنجاری‌ها در بعضی مناطق شهرهای شمالی موجب سقوط زندگی شهری شده و غالب کسانی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند سعی می‌کنند در مناطق اطراف شهر، در شهرک‌های محصور شده و اختصاصی زندگی کنند. تعداد جرایم در مناطق حاشیه‌ای و نیز دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی گویای آن‌اند که مناطق مزبور به لحاظ نابهنجاری‌های اجتماعی نقش چشمگیری در این امر دارند و نابهنجاری جوانان بخش عمده آن را تشکیل می‌دهد. لذا مسأله تحقیق آن است که:

الف) آیا اساساً جوانان مناطق حاشیه‌ای نابهنچار هستند؟ ب) اگر نابهنچار می‌باشند میزان آن در چه حدی است؟ ج) چه عواملی موجب پیدایش این نابهنجاری می‌گردند؟

(۱) بیان مسأله

افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و فقدان زیرساخت‌های مناسب اقتصادی در کشورهای جهان سوم، مناطق فقیرنشینی را در داخل و اطراف شهرها به وجود آورده است که جمعیت قابل توجهی در آن‌ها سکونت دارند و در طول زمان نیز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌گردد. مشکلات و محرومیت‌هایی که در این مناطق وجود دارد عده کثیری را تحت تاثیر قرار داده و با توجه به جمعیت این مناطق، پیامدهای آن از وسعت زیادی برخوردار بوده و نظم اجتماعی را در کل جامعه متاثر می‌سازد. گسترش این پیامدها یکی از دلایل ضرورت پیش‌بینی، ریشه‌یابی و کنترل آن‌ها می‌باشد. در ضمن گرایش به رفتارهای نابهنجار از مسائلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل‌گیری جامعه‌ای با ثبات و دور از تنش‌ها و انحرافات اجتماعی را غیرممکن می‌سازد و هرگونه برنامه‌ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر روبرو می‌سازد. بنابراین مطالعه گرایش به رفتارهای نابهنجار و ریشه‌های آن با توجه به عواقبی که چنین گرایشاتی می‌تواند به همراه داشته باشد از اهمیت زیادی برخوردار است. بروز چنین گرایشاتی تنها ناشی از حاشیه‌نشینی و فقر نبوده بلکه علل دیگری نیز می‌تواند داشته باشد؛ اما انتظار می‌رود ساکنان مناطق محروم و فقیر در معرض فشارهایی قرار گیرند که باعث گردد آمادگی بیشتر آن‌ها برای احراز چنین رفتارهایی شود.

یافته‌های یک پژوهش درباره مشکلات اجتماعی بازگوی آن است که ۴۸ درصد از اختلافات خانوادگی توأم با ایراد ضرب و جرح زوجین در محیط خانواده، ۴۶ درصد اختلافات ملکی، ۸۰ درصد بیماری‌های روانی شدید، ۶۷ درصد جرایم خلاف اخلاق، ۶۲ درصد جرایم جنسی از نوع لواط، ۶۰ درصد اعمال منافی عفت و ۴۸ درصد نزاع‌های دسته جمعی، از مناطقی گزارش شده که در زمره مناطق حاشیه‌نشین قرار دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۹۸). شهر بابل دارای شش کلانتری می‌باشد که دو کلانتری آن در منطقه حاشیه‌نشین شهر قرار دارد (کلانتری ۱۲ و ۱۳). آمارهای جرایم سال ۸۵ شهر بابل نشان می‌دهد که درصد بالایی از جرایم این شهر در مناطق حاشیه‌ای اتفاق افتاده است:

۴۳ درصد سرقت‌های شهر، ۳۳ درصد قتل‌ها، ۳۸ درصد خودکشی‌ها، ۳۱ درصد موارد جعل، ۴۵ درصد جرایم مالی و اقتصادی، ۴۱ درصد موارد نزاع و درگیری، ۳۷ درصد شرب خمر و ۴۴ درصد مزاحمت‌ها در این ناحیه اتفاق افتاده است (دفتر امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه در مازندران، ۱۳۸۵).

هم تعداد و هم نوع جرایم در این مناطق نشان‌گر آن است که این مناطق برای بروز ناهنجاری‌های اجتماعی مستعد هستند. لذا نوع و میزان ناهنجاری‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای این شهرها که غالباً ساکنان آن را جوانان مهاجر تشکیل می‌دهند و بررسی علل و تبیین آن، می‌تواند اندازه‌گیری‌کننده خوبی برای ارزیابی ناهنجاری‌ها در یک جامعه باشد.

(۲) پیشینه مطالعه

عماد افروغ در تحقیقی تحت عنوان «تمرکز فقر و خرده فرهنگ کجرو» به بررسی تاثیر زندگی در محلات فقیر بر شکل‌گیری خرده فرهنگ کجرو می‌پردازد. وی با استفاده از نظریه جامعه‌شناسان متقدمی چون زیمل، دورکیم، وبر و جامعه‌شناسان جدیدتری چون برگر، لاکمن، شوتز، رکس و مور، پال، کاستل و جان اوری چارچوب نظری‌ای را شکل داد که در آن عوامل اقتصادی، سیاسی و زیستی - اجتماعی، منجر به جدایی‌گزینی فضایی می‌شود. جدایی‌گزینی منجر به تمرکز فقر گردیده و تمرکز فقر به نوبه خود منجر به خرده فرهنگ کجرو و در نهایت رفتار کجرو می‌شود.

خرده فرهنگ کجرو از دیدگاه وی ترکیبی از شاخص‌هایی چون تمایل به ریسک کردن، خشن بودن، تقدیرگرا بودن، اولویت به نیازهای جسمانی، لاقیدی و بی‌بند و باری نسبت به تربیت فرزندان و آموزش‌های رسمی، غیرکلامی بودن تربیت کودکان و برخورداری از واژگانی محدود با الفاظی تحریک‌آمیز، بنده لحظه‌ها بودن و به تعویق نینداختن خوشی‌های لحظه‌ای به آینده و بی‌تفاوتی نسبت به کمبودها و نواقص محیطی بوده است. نوع تحقیق پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه در سه منطقه تهران انجام شده است. این تحقیق که در سه منطقه متفاوت از نظر میزان تمرکز فقر صورت گرفته، نشان

داده است که تفاوت معنی‌داری بین محلات مختلف از لحاظ وجود خرده فرهنگ کجرو در این مناطق وجود دارد (افروغ، ۱۳۷۷).

رفیع‌پور در تحقیقی با عنوان «آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران» با طرح سه سوال به بررسی نابهنجاری اجتماعی در شهر تهران پرداخته است. وی به منظور بررسی این مسأله از نظریه‌های آنومی دورکیم و مرتن، نظریه نیازهای مازلو، مقایسه اجتماعی سولس، محرومیت نسبی گور، نظریه انگیزه اتکینسون، هم‌نشینی افتراقی ساترلند و نیز کلوارد و هاگان، شرایط و علل پیدایش آنومی را تشریح نموده است. روش تحقیق پیمایش بوده و در این مطالعه هنجارها به سه دسته رسمی، غیررسمی و نیمه‌رسمی تقسیم شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عدم رعایت هنجارهای رسمی بسیار گسترده است و میزان رعایت هنجارهای غیررسمی بالا است. دیگرام علی‌نهایی این تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون نابرابری اجتماعی و وضعیت اقتصادی نامناسب بر نابهنجاری تاثیر دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸).

کلدی در سال ۱۳۷۹ به بررسی تاثیر ساختار اجتماعی اقتصادی جامعه و ویژگی کلان شهر بودن تهران بر شکل‌گیری فرآیندها و آسیب‌های اجتماعی در این محیط پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که وجود نابهنجاری‌هایی نظیر وجود مزاحمان و خلافکاران و معتادان، ناامنی برای عبور خانم‌ها، ناکافی بودن روشنایی در شب، ازدحام آزاردهنده عابر پیاده، ازدحام آزاردهنده ماشین‌ها، وجود دستفروش‌ها، امکان تصادف، نبود یا کمبود فضاهای امن عبور پیاده، تداخل سواره و پیاده موجب تحریک رفتارهای نابهنجار نظیر جیب‌بری و کیف‌زنی، خرید و فروش مواد مخدر و تکدی‌گری می‌شود. این تحقیق نتیجه گرفته است که اگرچه ناهنجاری‌های اجتماعی معلول ساختار کلان اجتماعی-اقتصادی می‌باشند ولی می‌توان با اصلاح بنیادی فضا سازی و مقررات تردد و توقف تا حدی این نابهنجاری‌ها را مهار کرد (کلدی، ۱۳۷۹).

تحقیقی در سال ۱۳۸۱ در مشهد توسط معاونت اجتماعی ناجا تحت عنوان «آنومی یا آشفتگی اجتماعی در روابط اجتماعی جوانان» انجام شده است. این مطالعه بر روی ۷۱۹۶

نفر از دختران مقطع راهنمایی و متوسطه به منظور کشف میزان آنومی در روابط آنها صورت گرفته است. محققان آنومی را با توجه به نظریه دورکیم و مرتن بررسی کرده‌اند. براساس این تحقیق که به شیوه پیمایشی صورت گرفته است. مهم‌ترین انواع نابهنجاری‌ها عبارت‌اند از مزاحمت‌های خیابانی و تلفنی، دوستی‌های خیابانی، عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری، مشکل ارتباط با والدین و مریمان، اعتیاد و ارتباط نامشروع (خوشکار، ۱۳۸۲).

۳) چارچوب نظری

رویکرد نظری اصلی برای تبیین پدیده مورد نظر در این تحقیق، رویکرد ساختاری تبیین نابهنجاری است. این رویکرد شامل نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه‌های فشار و نظریه‌های انحراف فرهنگی است، لیکن نظریه‌های بی‌سازمانی و فشار بیشتر مورد نظر بوده است.

«از دیدگاه این نظریه‌ها نظم اجتماعی، ثبات و انسجام موجب هم‌نواپی و بی‌نظمی و عدم انسجام موجب نابهنجاری و انحراف اجتماعی می‌شود. یک نظام اجتماعی به‌عنوان یک سیستم، زمانی سازمان‌یافته و منسجم است که دارای یک وفاق درونی مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارها باشد، پیوستگی قوی در بین اعضایش وجود داشته باشد و تعامل اجتماعی در آن به شیوه منظمی صورت گیرد. در مقابل سیستم زمانی نابهنجار یا بی‌سازمان است که پیوستگی اجتماعی یا انسجام اجتماعی و نیز کنترل اجتماعی در آن با شکست مواجه شود» (Akers, 2000: 159)

وجوه مشترک این نظریه‌ها این است که اولاً «زمانی که انسجام، پیوستگی یا یگانگی در داخل گروه اجتماع و جامعه کمتر باشد، نرخ نابهنجاری و انحراف بیشتر می‌شود؛ ثانیاً این نظریه‌ها سعی می‌کنند نرخ بالای نابهنجاری و بزهکاری در طبقات پایین و گروه‌های قومی را تبیین نمایند؛ ثالثاً این نظریه‌ها بر بزهکاری و خرده فرهنگ‌ها متمرکز شده‌اند» (همان منبع).
نظریه بی‌سازمانی اجتماعی که ابتدا در مطالعات جرایم شهری توسط جامعه‌شناسان دانشگاه شیکاگو مطرح گردید بعداً توسط شاو و مک کی به‌عنوان الگویی برای مطالعه

نابهنجاری‌های شهری به‌کار گرفته شد. در تئوری شاو و مک کی رابطه قوی بین الگوی سکونت شهری و میزان جرم وجود داشت، اما رابطه آن‌ها دقیقاً معلوم نبود؛ تا این‌که در سال ۱۹۸۹ سمپون و گراوز مدلی را برای بی‌سازمانی اجتماعی ارائه دادند که در آن بی‌سازمانی اجتماعی و رابطه آن با انحراف و نابهنجاری‌های اجتماعی سنجیده شد. «در این مدل روابط همسایگی با پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین، تحرک مکانی بالا، تنوع قومی و گسست خانوادگی منجر به شبکه‌های دوستی محلی پائین و نیز جوانان نظارت نشده می‌گردید، و این به نوبه خود منجر به افزایش نرخ‌های جرم همسایگی می‌گردید» (Sun, et al., 2004:1). بعداً این تئوری توسط افراد مختلفی از جمله ویسی و مسنر (1999). لون کمپ و همکارانش (2003) و سان و همکارانش (2004) مورد آزمون و تأیید قرار گرفت. مدل سمپون و گراوز علاوه بر صراحت نظریه، مسائل روش‌شناسی این تئوری را نیز بهبود بخشید. این تحقیق با استفاده از روش خوداعترافی به سنجش جرم پرداخته و نیز اثرات مستقیم و غیرمستقیم بی‌سازمانی بر جرم را نیز سنجیده بود.

نظریه فشار مبتنی بر نظریه مرتن است. این تئوری که متأثر از نظریه بی‌هنجاری دورکیم می‌باشد معتقد است که شکاف بین اهداف و وسایل تأییدشده موجب نابهنجاری می‌گردد. آلبرت کوهن کار مرتن را با تأکید بر منابع ساختاری فشار که منجر به انحراف می‌شود پیگیری کرد؛ اما کوهن آن را تحت عنوان خرده فرهنگ مورد بررسی قرار داد. از دیدگاه کوهن ناتوانی در کسب موفقیت مادی، ناتوانی در کسب موقعیت و ناتوانی در پذیرش اجتماعی موجب فشار می‌گردد. جوانان طبقات پائین که نمی‌توانند استانداردهای ارائه شده توسط طبقات متوسط در مدارس را کسب کنند دچار محرومیت موقعیتی و عجز می‌گردند. از نظر وی «خرده فرهنگ بزهکار پاسخی جمعی به این عجز است» (Akers, 2000:167).

کلوارد و اوهلین با تأثیر از نظریه‌های آنومی مرتن، خرده فرهنگ بزهکار کوهن، نظریه بی‌سازمانی شاو و مک‌کی و نیز نظریه همنشینی افتراقی ساترلند، نظریه فشار جدیدی تحت عنوان «فرصت افتراقی و خرده فرهنگ بزهکار» را ارائه دادند، از دیدگاه اینان «محرومیت از ابزارهای مشروع منجر به فشار به سمت اعمال منحرفانه می‌شود» (همان

منبع). اما بر عکس نظریه کوهن، آنها معتقدند که فرصت‌های نامشروع به صورت برابر در دسترس همگان نیست، این فرصت‌ها متأثر از سازمان اجتماعی روابط همسایگی یا نواحی شهر و جایی که آنها از آن بر خاسته‌اند می‌شود. «از نظر آنها فرصت‌های نامشروع و توزیع آنها، محتوای خرده فرهنگ بزهکار را تعیین می‌کند» (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۸).

علاوه بر نظریه‌های ساختاری فوق این تحقیق از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نیز استفاده کرده است. از دیدگاه هیرشی نابهنجاری ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است که در اثر کنترل و نظارت اجتماعی به وجود می‌آید. هیرشی معتقد است «وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه موجب دورشدن از مشارکت در امور انحرافی و نابهنجار می‌شود. کسانی که وفاداری ضعیفی به اعتقادات اخلاقی جامعه دارند ممکن است بیشتر تمایل داشته باشند که ارزش‌های آن را نادیده گرفته و از هنجارهای اجتماعی انحراف ورزند» (امانت، ۱۳۷۳: ۹۹).

ساترلند تحت تاثیر شاو و مک‌کی معتقد است رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. «فرضیه اصلی ساترلند این است که رفتار نابهنجار مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد بزهکار در طول حیات خود از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد. مردم به نسبت همنشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند، نابهنجار و کجرو می‌شوند» (محسنی، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

با توجه به نظریه‌های فوق، تحقیق حاضر نابهنجاری را متأثر از این متغیرها می‌داند: پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین، ضعف وفاداری به ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه (که در این تحقیق دینداری به‌عنوان معرف آن در نظر گرفته شد)، ضعف کنترل و نظارت اجتماعی، مشکلات خانوادگی و همنشینی با کسانی که دارای نابهنجاری باشند.

۴) روش مطالعه

۴-۱) نوع مطالعه

روشی که برای انجام این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت پیمایش است. نوع تحقیق و هدفهایی که مد نظر آن بوده است اقتضاء می‌کند تا این روش به روش‌های دیگر در مطالعه عوامل تاثیرگذار بر مقوله نابهنجاری ترجیح داده شود.

۴-۲) جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت آماری تحقیق، جوانان ۱۵-۲۹ سال ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهرهای بابل و ساری می‌باشند. شهر ساری دارای جمعیت ۱۹۲۵۱۲ نفر، جمعیت جوانان ۳۶۱۰۰ نفر، جمعیت جوان حاشیه‌نشین ۵۶۳۴ نفر و نسبت جوانان حاشیه‌نشین به کل جمعیت جوانان ۱۵ درصد بوده است. همچنین جمعیت شهر بابل ۱۵۶۲۶۰ نفر، جمعیت جوانان ۲۷۴۵۸ نفر، جمعیت جوانان حاشیه‌نشین ۲۲۴۹ نفر و نسبت جوانان حاشیه‌نشین به کل جمعیت جوانان این شهر ۸ درصد بوده است. در این تحقیق از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی استفاده شده است. در این نوع نمونه‌گیری واحدهای تشکیل‌دهنده جمعیت خوشه‌هایی از افراد هستند و در آن «به‌جای مشاهده تمام افراد تشکیل‌دهنده خوشه‌های انتخاب شده، نمونه‌ای از افراد داخل آن‌ها برای مشاهده نهایی برگزیده می‌شود» (سرای، ۱۳۷۲: ۲۰).

برای این منظور ابتدا در بین ۱۷ شهر استان، دو شهر انتخاب شده است. سپس مناطق حاشیه‌ای این شهرها مشخص شده و از بین آن‌ها مناطقی به‌صورت تصادفی برای مطالعه انتخاب گردید. در انتخاب مناطق به گونه‌ای عمل شد که همه قسمت‌های حاشیه‌ای شهر در نمونه قرار گیرند. محلات و کوچه‌های این مناطق مشخص شده و سپس چند کوچه اصلی مشخص گردید و خانه‌ها به قید قرعه انتخاب شدند. در نهایت به درب هر خانه مراجعه نموده و در صورتی که افراد ۱۵ تا ۲۹ سال در آن خانه وجود داشته‌اند از آن‌ها مصاحبه به‌عمل آمده است، در غیر این‌صورت به خانه بعدی مراجعه شد.

در شهر ساری سه نقطه حاشیه‌ای راهبند، پشت آرامگاه و دخانیات و در بابل منطقه موزیرج، کمانگرکلا و بحرارم انتخاب شد.

حجم نمونه تحقیق با توجه به حجم جامعه آماری و با استفاده از فرمول کوکران ۲۲۰ نفر انتخاب شده است.

$$n = \frac{Nt^2(P-(1-P))}{Nd^2 + t^2(P-(1-P))} = \frac{7883(1/96)^2(0/25)}{7883(0/065)^2 + (1/96)^2(0/25)} = \frac{7570/8}{33/30 + 0/9604} = \frac{7570/8}{34/26} = 220$$

بر اساس حجم نمونه و با استفاده از روش سهمیه‌ای، تعداد کل نمونه شهر بابل ۶۴ نفر و تعداد کل نمونه شهر ساری ۱۵۶ نفر محاسبه گردید و در نهایت، نمونه‌ها به روش تصادفی ساده جهت جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شدند.

۳-۴) ابزار مطالعه

در این تحقیق با توجه به نمونه آماری، تعداد آن و نوع مطالعه از ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. پرسش‌نامه حاوی ۱۰۴ سوال باز و بسته و مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته بوده است. روایی پرسش‌نامه بر اساس آزمون آلفا کرونباخ بدین قرار است: مشکلات خانوادگی با ۵ گویه و ضریب آلفا ۰/۷۷، دین‌داری با ۷ گویه و ضریب آلفا ۰/۷۴، کنترل بیرونی با ۵ گویه و ضریب آلفا ۰/۶۸، نابهنجاری نزدیکان با ۳ گویه و ضریب آلفا ۰/۷۷، و نابهنجاری با ۲۹ گویه و ضریب آلفا ۰/۹۳.

۴-۴) متغیرهای مطالعه

۱-۴-۴) متغیر وابسته

برای تعیین شاخص نابهنجاری ابتدا فهرستی از داوران به تعداد ۵۰ نفر تعیین شد که شامل اساتید دانشگاه و مسولین اجتماعی استان بوده‌اند. سپس از آن‌ها خواسته شد مهم‌ترین نابهنجاری جوانان در این مناطق را به ترتیب یادداشت نمایند. بعد از جمع‌آوری نتایج و

دسته‌بندی مهم‌ترین نابهنجاری‌ها، دوباره این فهرست برای آن‌ها فرستاده شده و از آن‌ها درخواست گردید نابهنجاری‌های موجود را به ترتیب اولویت رده‌بندی کنند. در نهایت فهرست مهم‌ترین نابهنجاری‌ها تهیه شد و برای تهیه پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. بنا بر هدف تحقیق برای سنجش نابهنجاری از روش خود اعترافی استفاده شده است.

۲-۴-۴) متغیرهای مستقل

الف) پایگاه اقتصادی اجتماعی: این شاخص براساس شاخص اجتماعی اقتصادی دانکن (میلر، ۱۳۸۰:۳۸۸) فراهم شده است که ترکیبی از شاخص‌های متوسط درآمد، سطح تحصیلات و شغل می‌باشد.

ب) مشکلات خانوادگی: منظور از مشکلات خانوادگی وجود مسائلی در خانواده است که تعادل خانواده را دچار مشکل نموده و در راستای اهداف و منافع خانواده نباشد. متغیر مشکلات خانواده ترکیبی از میزان درگیری و مشکلات خانوادگی و شامل مشاجره لفظی تا کتک‌کاری و ترک خانه توسط والدین می‌باشد.

ج) دین‌داری: سنجش دین‌داری با استفاده از شاخص گلاگ و استارک صورت گرفته است که یکی از بهترین شاخص‌ها برای سنجش دین‌داری است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳). دین‌داری ترکیبی از اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به روز قیامت، احساس نزدیکی به خدا، شرکت در مراسم مذهبی، خواندن نماز، گرفتن روزه و باور داشتن به حجاب در نظر گرفته شد.

د) شاخص کنترل اجتماعی بیرونی: میزان احساس کنترل شخص توسط خانواده، همسایگان، پلیس و اطرافیان است.

ه) نزدیکی نابهنجار: این شاخص ترکیبی از نابهنجاری خانواده، خویشاوندان و دوستان است.

۵) یافته‌ها

در این بخش ابتدا به تحلیل داده‌ها پرداخته و مختصات هر یک از متغیرها آورده می‌شود.

سپس تاثیر چند متغیره و همزمان متغیرهای مستقل بر وابسته واری شده و در نهایت مسیرهای تاثیر این متغیرها بر متغیر وابسته پیگیری شده است.

جدول ۱: نوع نابهنجاری جامعه نمونه

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میزان (درصد) گویه‌ها
۵۰/۹	۱۹/۶	۱۲/۴	۱۰/۵	۶/۵	گاهی اوقات پیش می‌آید که آدم در یک جمع دوستانه قرار می‌گیرد و دوستان به آدم تعارف می‌کنند که بکی بزند یا یک لب برای سلامتی بنوشد، آدم تو رو در بایستی گیر می‌کند و مجبور می‌شود این کار را بکند، آیا برای شما پیش آمده؟
۳۳/۸	۲۴/۸	۱۵/۶	۱۳	۱۳/۲	آیا تا به حال پیش آمده که شما به یک مهمانی بروید و یک نفر در آنجا مواد مخدر مصرف نماید یا مشروبات الکلی بنوشد؟
۴۱/۱	۱۷/۳	۲۱/۱	۱۲/۱	۸/۴	اکثر آدم‌ها دوست دارند هر کاری را یکبار هم که شده تجربه کنند، مثلاً بکی بزند، مشروبی بخورند، سر به سر دختر و پسرهای مردم بذارند، شما چطور؟
۳۳/۶	۲۰/۱	۱۳/۷	۱۲/۶	۲۰/۱	آیا تا به حال مواد مخدر یا مشروبات الکلی دیده‌اید؟
۳۰/۵	۲۹	۱۸/۹	۱۳/۸	۷/۸	بعضی‌ها معتقدند اگر شما کلاه نگذارید، دیگران سر شما را کلاه می‌گذارند، شما چطور؟
۱۵/۹	۲۰	۲۱/۸	۲۸	۱۴/۳	اگر جایی کارم گیر بکند اگر رشوه دهی یا پارتی بازی لازم باشد حتماً این کار را می‌کنم.
۲۶/۸	۲۵/۶	۲۱/۶	۱۳/۲	۱۲/۹	کنک کاری چطور؟
۳۰/۸	۲۰/۵	۱۹/۲	۱۳/۸	۱۵/۶	آیا خودتان دوست پسر یا دوست دختر داشته‌اید؟
۱۱/۱	۲۸/۳	۲۲/۵	۲۱/۹	۱۶/۲	آیا تاکنون پیش آمده با کسی دعوا کنید و طرف حرف‌های ناجور بزند و شما هم جوابش را بدهید؟
۴۷/۵	۱۷/۳	۱۵/۳	۸/۶	۱۱/۳	آیا تا به حال سیگار کشیده‌اید؟
۴۴/۲	۲۲/۶	۱۷/۶	۱۰/۴	۵/۳	لباس‌های غیر متعارف
۴۶/۷	۲۳/۲	۱۳/۱	۱۰/۸	۶/۲	زد و خورد با دیگران
۵۳	۲۱/۷	۱۳/۴	۸/۴	۳/۵	آرایش متفاوت با دیگران

ادامه جدول ۱

۵۳	۱۶/۹	۱۰/۲	۸/۹	۱۱	مذاحمت تلفنی
۶۰	۱۷/۷	۹/۵	۷/۶	۵/۳	خط کشیدن یا تخریب اموال عمومی
۴۹	۱۷/۶	۱۰/۸	۱۱/۸	۱۰/۸	ایجاد مذاحمت خیابانی
۵۱/۱	۲۳/۳	۱۰/۵	۱۰/۱	۵	زیر پا گذاشتن حق دیگران
۳۵/۳	۳۳/۴	۲۲/۴	۶/۸	۲/۱	ریختن آشغال در خیابان
۳۱/۳	۲۵	۱۷	۱۷/۳	۹/۴	عدم رعایت آداب و تشریفات مهمانی رفتن
۳۸/۲	۱۹/۴	۱۵/۹	۱۷/۸	۸/۷	با دستمال جلوی دهن یا دماغ را هنگام عطسه زدن نگرفتن
۳۴/۶	۲۳/۱	۱۴/۱	۱۸/۳	۹/۹	با صدای بلند حرف زدن در اماکن عمومی
۲۵/۳	۲۴/۵	۱۸/۸	۱۴/۶	۱۶/۷	دیر آمدن به منزل
۵۸/۷	۱۰/۶	۱۰/۶	۱۱/۷	۸/۳	کشیدن سیگار در اماکن عمومی
۴۶/۹	۲۳/۸	۱۵/۴	۸/۲	۵/۸	چاپلوسی و تملق
۲۶/۱	۳۰/۵	۲۳/۴	۱۳/۴	۶/۷	غیبت دیگران
۲۱/۹	۱۹/۵	۱۹/۶	۱۶/۵	۲۲/۵	تقلب در کارها
۲۰/۹	۱۹/۶	۱۷/۹	۱۳/۳	۲۸/۳	نگاه یواشکی به دیگران
۲۰/۵	۲۴/۱	۳۱/۹	۱۱/۷	۱۱/۷	عدم رعایت حقوق دیگران
۲۴/۶	۲۴/۸	۳۲/۹	۱۱/۶	۶	دروغ

جدول شماره ۱ توزیع نسبی نوع و میزان نابهنجاری در بین جوانان ساکن در این مناطق را نشان می‌دهد.

جدول ۲: میزان نابهنجاری

درصد	فراوانی	میزان
۱/۱	۲	خیلی کم
۵۱/۱	۹۳	کم
۳۹	۷۱	متوسط
۷/۷	۱۴	زیاد
۱/۱	۲	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۸۲	جمع

یافته‌های جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که ۵۱/۱ درصد از جوانان دارای نابهنجاری اجتماعی کم، ۳۹ درصد متوسط، ۷/۷ درصد زیاد و ۱/۱ درصد خیلی کم و خیلی زیاد بوده‌اند.

۵-۱) مسائل خانوادگی

این شاخص که ترکیبی از متغیرهای میزان مشاجره لفظی والدین، کتک‌کاری، مشاجره با اعضای خانواده و ترک خانه توسط والدین است، توزیعی بدین شرح در جامعه مورد مطالعه دارد: مسائل خانوادگی در خانواده ۴۶ درصد از پاسخ‌گویان به مقدار کم، ۲۵/۲ درصد به‌طور متوسط، ۱۳/۹ درصد زیاد، ۱۱/۲ درصد خیلی کم و ۳/۷ درصد خیلی زیاد است.

۵-۲) دین‌داری

توزیع شاخص دین‌داری که ترکیبی از اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به روز قیامت، احساس نزدیکی به خدا، شرکت در مراسم مذهبی، خواندن نماز، گرفتن روزه و باور داشتن به حجاب می‌باشد، بدین شرح است: میزان دین‌داری در ۴۰ درصد پاسخ‌گویان زیاد، ۳۶/۷ درصد متوسط، ۱۴/۹ درصد کم، ۷ درصد خیلی کم و ۱/۴ درصد خیلی زیاد است. بدین ترتیب، می‌توان اظهار داشت که میانگین شاخص ترکیبی میزان دین‌داری پاسخ‌گویان در حد متوسط است.

۵-۳) پایگاه اقتصادی - اجتماعی

این شاخص ترکیبی از درآمد خانواده، تحصیلات والدین و شغل پدر می‌باشد. ۳۷/۳ درصد از پاسخ‌گویان دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، ۲۳/۲ درصد خیلی پایین، ۱۹ درصد متوسط، ۱۳/۲ درصد بالا و ۷/۳ درصد خیلی بالا بوده‌اند. بنابراین میانگین شاخص ترکیبی پایگاه اقتصادی اجتماعی پاسخ‌گویان پایین است.

۴-۵) نابهنجاری نزدیکان

این شاخص که ترکیبی از نابهنجاری خانواده، خویشاوندان و دوستان شخص می‌باشد، توزیعی بدین شرح دارد: ۴۲/۲ درصد کم، ۲۵/۳ درصد متوسط، ۱۹/۷ درصد خیلی کم، ۱۰/۳ درصد زیاد و ۲/۳ درصد خیلی زیاد است.

۵-۵) کنترل اجتماعی

این شاخص ترکیبی از کنترل خانواده، همسایگان و پلیس بر رفتار شخص است که توزیع آن بدین شرح است: ۳۶/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای نظارت متوسط، ۲۸ درصد کم، ۱۹/۲ درصد زیاد و ۱۶/۳ درصد خیلی کم است. جدول شماره ۳ توزیع نسبی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در مطالعه را برحسب متغیر مستقل نشان می‌دهد.

جدول ۳: توزیع نسبی پاسخ‌ها بر حسب متغیر مستقل

متغیر	میزان	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	جمع
مسائل خانوادگی	۱۱/۲	۴۶	۲۵/۲	۱۳/۹	۳/۷	۱۰۰	
دینداری	۷	۱۴/۹	۳۶/۷	۴۰	۱/۴	۱۰۰	
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۲۳/۲	۳۷/۳	۱۹	۱۳/۲	۷/۳	۱۰۰	
نابهنجاری نزدیکان	۱۹/۷	۴۲/۲	۲۵/۳	۱۰/۳	۲/۳	۱۰۰	
کنترل اجتماعی	۱۶/۳	۲۸	۳۶/۴	۱۹/۲	۰	۱۰۰	

چنان‌که در جداول شماره ۴ و ۵ مشاهده می‌گردد برای تعیین عوامل موثر بر نابهنجاری ابتدا یک معادله رگرسیون با متغیر یا شاخص وابسته نابهنجاری و همه متغیرهای مستقل

محاسبه گردیده و سپس از خروجی‌های داده شده ضرایب مسیر که همان بتاها یا ضرایب استاندارد شده رگرسیون هستند، استخراج و نمودار آن رسم گردید. مقادیر ضرایب مسیر که روی بردارهای موجود در نمودار شماره ۱ نوشته شده اهمیت شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴: تحلیل واریانس

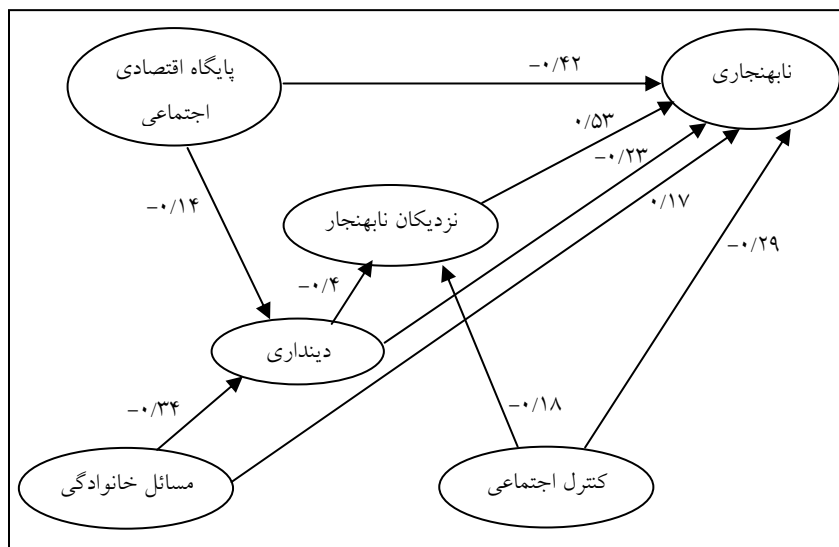
معنی‌داری	F	میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	
.۰۰۰	۴۹/۸۶۹	۳۱۵۳/۷۵۳	۵	۱۵۷۶۸/۷۶۴	رگرسیون
		۶۳/۲۴۰	۱۱۶	۷۳۳۵/۸۵۹	باقیمانده
			۱۲۱	۲۳۱۰۴/۶۲۳	کل

جدول ۵: میزان ضرایب تاثیر متغیرها

معنی‌داری	t	ضرایب استاندارد نشده		
		بتا	ب	
.۰۰۰	۳/۶۲۳		۶/۵۰۸	ثابت
.۰۰۰	-۶/۹۹۱	-.۴۲۰	.۰۰۰	پایگاه
.۰۰۰	-۳/۶۵۰	-.۲۳۲	.۱۹۵	دین‌داری
.۰۰۰	۹/۱۶۵	.۵۳۸	.۳۱۳	نزدیکان
.۰۰۰	۵/۰۲۴	.۲۹۴	.۳۱۳	کنترل
.۰۰۴	-۲/۹۳۵	-.۱۷۰	.۸۶۲	خانواده

1. Beta

نمودار ۱: تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته



نتایج نشان می‌دهد که پنج متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی، دین‌داری، نزدیکان شخص، کنترل اجتماعی و مسائل خانوادگی با نابهنجاری همبستگی خالص (یعنی با کنترل یا ثابت نگهداشتن متغیرهای دیگر) و مستقیم دارند. ترتیب تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به قرار زیر است:

الف) نزدیکان یا کسانی که شخص با آنها معاشرت بیشتر دارد (با ضریب مسیر ۰/۵۳)؛
 ب) پایگاه اقتصادی اجتماعی (با ضریب مسیر ۰/۴۲)؛ ج) کنترل اجتماعی یا همان کنترل اجتماعی بیرونی (با ضریب مسیر ۰/۲۹)؛ د) دین‌داری یا میزان دین‌داری (با ضریب مسیر ۰/۲۳)؛ هـ) گسست خانواده (با ضریب مسیر ۰/۱۷).

ضریب همبستگی چندگانه (R) بین شاخص نابهنجاری و پنج شاخص نابهنجاری نزدیکان، پایگاه اقتصادی اجتماعی، کنترل اجتماعی، دین‌داری و مشکلات خانواده ۰/۸۲۶ بوده و ضریب

تعیین (R2) ۰/۶۸۲ به دست آمد. نتیجه را این گونه می توان تفسیر کرد که نزدیک به ۶۸ درصد تغییرات شاخص نابهنجاری را پنج شاخص نامبرده تعیین می کنند که رقم بسیار بالایی است. براساس نمودار شماره ۱، عوامل موثر بر نابهنجاری جوانان را این گونه می توان تبیین کرد: الف) انحراف نزدیکان یکی از مهم ترین شاخص ها در نابهنجاری جوانان می باشد. از آنجایی که این شاخص از نظریه همنشینی افتراقی ساترلند اقتباس شده است، کاربرد آن نظریه در این تحقیق به منزله یک تبیین کننده مهم مورد تأیید قرار می گیرد، به این معنی که فرد نابهنچار رفتار نابهنچار را از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران می آموزد. ب) پایگاه اقتصادی اجتماعی بر نابهنجاری تاثیر دارد و رابطه آن با نابهنجاری معکوس است، یعنی هرچه پایگاه اقتصادی اجتماعی شخص پائین تر باشد، میزان نابهنجاری وی بیشتر است. این شاخص که بر نظریه بی سازمانی و نظریه فشار مبتنی است بازگوی آن است که پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین و ناتوانی در کسب موفقیت مادی و در نتیجه، عدم کسب موفقیت و پذیرش اجتماعی موجب نابهنجاری شخص می گردد. ج) کنترل اجتماعی و یا ضعف کنترل اجتماعی بیرونی نیز موجب نابهنجاری شخص می گردد. براساس نظریه بی سازمانی اجتماعی در محلات حاشیه ای، جایی که تحرک مکانی و تنوع اجتماعی زیاد است، میزان کنترل اجتماعی ضعیف و در نتیجه نابهنجاری زیاد است. د) شاخص دین داری نیز بر نابهنجاری موثر است. هرچه میزان دین داری پائین تر باشد، میزان نابهنجاری بیشتر است. این شاخص از تئوری هیرشی اقتباس شده است. براساس این تئوری هر چه تعلق فرد به جامعه ضعیف تر باشد، شخص بیشتر دچار نابهنجاری می شود و وفاداری فرد به ارزش ها و اصول اخلاقی جامعه و دین موجب دور شدن از امور نابهنچار می گردد. ه) مشکلات خانواده نیز موجب نابهنجاری می گردد. براساس تئوری بی سازمانی اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین، زندگی در محلات پائین، فقر و بیکاری موجب بروز اختلافات و مشکلات خانوادگی گردیده و در نهایت موجب نابهنجاری فرد می گردد. برای ادامه کار جهت تنظیم مدل علی، متغیری که بیشترین ارتباط را با متغیر وابسته داشت به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و سایر متغیرها با آن در ارتباط گذاشته شدند،

و از خروجی داده‌ها، ضرایب استاندارد مربوطه استخراج شده و نمودار کامل گردید. نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد که ضعف کنترل اجتماعی از یک سو و ضعف دین‌داری از سوی دیگر موجب همنشینی شخص با افراد نابهنجار شده و در نهایت موجب نابهنجاری شخص می‌گردد. همچنین مسائل خانوادگی و پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین نیز موجب کاهش دین‌داری و در نهایت موجب افزایش نابهنجاری شخص می‌گردد.

۶) بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست آمده جوانان مناطق حاشیه‌ای دارای نابهنجاری بوده (۹/۹ درصد از کم تا خیلی زیاد) و این نابهنجاری متأثر از نزدیکان نابهنجار، پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین، ضعف کنترل اجتماعی و ضعف دین‌داری است که در این تحقیق شاخصی از فقدان تعهد فرد و یا به زعم هیرشی، فقدان کنترل درونی و نیز مسائل و مشکلات خانوادگی است. مختصات متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که در مجموع مشکلات خانوادگی پاسخگویان در حد کم، دین‌داری در حد متوسط، پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین، نابهنجاری نزدیکان کم و کنترل اجتماعی متوسط می‌باشد. علاوه بر این دیاگرام مسیر نشان می‌دهد که همنشینی با اشخاص نابهنجار نیز متأثر از ضعف کنترل اجتماعی بیرونی و ضعف دین‌داری یا همان ضعف تعهد یا کنترل درونی است و در نهایت ضعف دین‌داری خود متأثر از مشکلات خانوادگی و پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت مهم‌ترین متغیر تاثیرگذار بر نابهنجاری جوانان، نزدیکان نابهنجار بوده و آن نیز متأثر از ضعف کنترل اجتماعی بیرونی و ضعف کنترل اجتماعی درونی یا فقدان تعهد به ارزش‌های جامعه است. کنترل اجتماعی درونی یا فقدان تعهد به ارزش‌های جامعه نیز ناشی از مشکلات خانوادگی و پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین است.

با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت نابهنجاری متأثر از چند عامل است و براساس همین عوامل می‌توان پیشنهادهای مطرح نمود:

الف) حاشیه‌نشینان کسانی‌اند که از ضعف امکانات اقتصادی، مسکن نامناسب، درآمد پایین،

سطح سواد پایین و شغل نامناسب یا همان پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین برخوردارند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های کاهش نابهنجاری در مناطق حاشیه‌ای اصلاح این عوامل ساختاری می‌باشد؛ بهبود شاخص‌های اشتغال و سواد، سیاست‌های حمایتی از اقشار کم‌درآمد و اصلاح زیرساخت‌های مناطق حاشیه‌ای می‌تواند در تخفیف نابهنجاری در این مناطق کمک نماید.

ب) از دیرباز در جامعه‌شناسی یکی از راه‌های مهم کاهش نابهنجاری و انحرافات اجتماعی تقویت عوامل بازدارنده و حفاظت‌کننده بوده است. این تحقیق نیز نشان داد که عوامل بازدارنده درونی و بیرونی در کاهش نابهنجاری تاثیر گذارند. کنترل اجتماعی بیرونی همانند نظارت والدین، همسایگان و نظارت پلیس در کاهش نابهنجاری موثر هستند. بنابراین به نظر می‌رسد هرچه نظارت مثبت والدین بر فرزندان صورت گیرد و با توجه به قاعده شرعی امر به معروف و نهی از منکر همسایگان به رفتار یکدیگر حساس باشند و پلیس کنترل بیشتری بر این مناطق داشته باشد میزان نابهنجاری کاهش می‌یابد.

ج) تحقیق نشان داده است که هرچه مشکلات و ناسازگاری خانواده بیشتر باشد میزان نابهنجاری فرزندان بیشتر است. خانواده اولین واحد اجتماعی و مهم‌ترین عامل اجتماعی شدن فرزندان است. لذا بهبود اوضاع خانواده، حل مشکلات آن که متاثر از عوامل ساختاری است می‌تواند در جهت کاهش نابهنجاری کمک نماید.

د) همنشینی با انسان‌های نابهنجار موجب نابهنجاری می‌گردد، لذا به خانواده‌ها پیشنهاد می‌گردد که فرزندان خود را در انتخاب دوستان و هم‌نشینان راهنمایی نموده و مراقب کسانی که با آنها نشست و برخاست می‌کنند، باشند.

در مجموع دو نوع پیشنهاد می‌توان برای کاهش نابهنجاری مطرح نمود: اول پیشنهاد بلندمدت و حل مسائل ساختاری که نیاز به یک برنامه کلان ملی بلندمدت نظیر راهبرد کلی در جهت ایجاد اشتغال و کنترل جمعیت بر نواحی مهاجر فرست و اتخاذ سیاست‌های مرکزگریزی در ابعاد مختلف دارد؛ گروه دوم پیشنهادها شامل برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و شهری کوتاه مدت همانند افزایش کنترل اجتماعی، برنامه‌های تبلیغی و آموزش جوانان و سیاست‌های حمایتی از خانواده‌های فقیر است.

- افروغ، عماد. (۱۳۷۷)، **فضا و نابرابری اجتماعی**، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- امانت، حمید. (۱۳۷۳)، **بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- خوشکار، علیرضا. (۱۳۸۲)، «آنومی یا آشفتگی اجتماعی در روابط جوانان»، تهران، **فصلنامه امنیت اجتماعی**، پیش شماره اول.
- دفتر امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه در استان مازندران، گزارش سال ۱۳۸۵.
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹)، **تقسیم کار اجتماعی** (ترجمه باقر پرهام)، بابل، کتابسرای بابل.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، **آنومی یا آشفتگی اجتماعی در شهر تهران**، تهران، انتشارات سروش.
- سراج زاده، سیدحسین. (۱۳۸۳)، **چالش‌های دین و مدرنیته**، تهران، انتشارات طرح‌نو.
- سربابی، حسن. (۱۳۷۲)، **نمونه‌گیری در تحقیق**، تهران، انتشارات سمت.
- کلدی، علیرضا. (۱۳۷۹)، «بررسی رابطه ساختار اجتماعی و رفتار نابهنجار اجتماعی در محدوده پیرامون میدان آزادی تهران»، **پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی**، شماره ۲۸.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳)، **وندالیسم**، تهران، انتشارات آن.
- میلر، دلبرت. (۱۳۸۰)، **راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی** (ترجمه هوشنگ ناییبی)، تهران، نشر نی.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید. (۱۳۸۱)، **دانشنامه جرم‌شناسی**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- Akers, Ronald L. (2000), **Criminological Theories: Introduction, Evaluation, and Application**, 3rd edition, Los Angeles, CA, Roxbury Publishing Co.
- Harvey, David. (1973), **Social Justice & the City**, London, Edward Arnold.
- Lowenkamp, Christopher T.; Francis T. Cullen, & Travis C. Pratt. (2003), "Replicating Sampson and Grove's Test of Social Disorganization Theory: Revisiting a Criminological Classic", **Journal of Research in Crime and Delinquency**, Vol. 40 No. 4.

- Sun, Ivan, Y, et al. (2004), "Neighborhood Characteristics and Crime: A Test of Sampson and Groves' Model of Social Disorganization", **Western Criminology Review**, 5 (1).
- Veysey, Bonita, M. & Messner, Steven, F. (1999), "Further Testing of Social Disorganization Theory: An Elaboration of Sampson and Grove's Community Structure and Crime", **Journal of Research in Crime and Delinquency**, Vol. 36, No 2.